

انتقاد

تأليف محمد ماشم بن الشيخ المفيد



کتاب ذخیر السفاها علی طب الایمانیة

(۲)

چون از بیان بحر و قافیه و صنایع شعریه این بیت فارغ شدیم اکنون
 هنگام آنست که باز بس سخن آئیم و تحقیق معنی و بیان مطلب این بیت را نمائیم
 و پیش از این ناچاریم از بیان سه مقدمه یکی تشخیص مرض دوم تشریح آن عضو
 سوم معالجه اما اول بدانکه مراد از این بیت عرق اقیه است و هو کما قال المنوچهری
 (و رم رطب يحدث من شرب برد الحار يعرض في عظام اللثة وطبقة العنكبوتية من
 الطحال الايمن وربما يعرض بمشايعة بحران دقي و علامته جحوظ الاثمين وصفرة
 السامعة و خشونة البول و رسوب الاظفار و تناوب البشرة عليها غبرة ضاحكة مستبشرة
 اولئك هم الكفرة الفجرة و كثيرا ما يحدث هذا المرض للكحول و المشايخ الذين
 لم يبلوا الحلم و قاما يعرض للصبيان اللهم الا ان يكون من فرط الهم و تحليل الحرارة الغريزية
 قال ابن طایس انا كلما تأملنا بالنظر الدقيق و تتبعنا كتب المنطق علی التحقيق لم
 نجد فرقا بين هذا المرض و بين النقرس الا لاؤس فان جعلتموه قسما منه و مرضاً
 علیحدة فلا دليل علیه و ان سميتوه بهذا الاسم فلا مشاحة فی الاصطلاح. اقول الفرق
 بينهما واضح لائح فان النقرس محلها الدماغ یورث لغدیان العظام فيحدث خلط غليظ
 فی المعاء جليدية او القولون الابطی و عرق القنية مادتها بغم المحترق من الدم او السوداء
 الزجاجة و دعائها عظم الرسغ و این هذا من ذاك و السمك من السمك و لقد استعجب
 السائل من هذا الكلام مع فطانة الاستاد و ببحرته و العجب ممن اقتفى اثره و هذا
 حذوه کابی نهشل الثاني و ابی سعید الرستمی .

و طولش هذراع و بیست و هفت نایه است . اما غرض از تحریر این کلمات شرعی
 دلالات این مسئله از مشکلات علم جفر است و در حروف سخت بکار است و هر کس

این مسئله را نیکو نورزیده باشد نتواند جواب ناطق بیرون آورد و من وقتیکه در این علم ممارست می کردم سئوالی از حال خود کردم جوابی بیرون آمد و سخت موافق افتاد .

صورت سؤال و جواب را در این مختصر برنگارم که طالبانرا عظیم سودمند است سؤال این است :

ك ي ف ح ا ل ش ي خ ا ب ي ه ا ش م زبر و بینه را گرفته این شد ۳ ۵ ۹ ۶ ۳۰ ۵ ۸ ۸۰۰۲۰ ۸ ۷ ۱۱۹ ۲۵۰۰۵ ۳

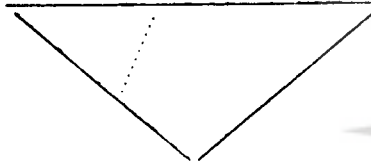
۲۰ - ۳۰۰۸ - ۹۶۵۷ - جمع این اعداد اینست ۲۳۴۲۹۷ بسط کبیرش اینست ع و ج لای والسلام . بسط صغیرش چنین است (لاولاب لاو لا لاشش مه است) نظیره بر گرفتیم این شد که جمع منطوقش اینست ۸۵۹۴۳۴۷ حروف مهموسه را بر گرفتیم این شد ۹۳۱ حروف اعداد اینست د و غ ش ب د حروف ناریه اش اینست ا ب ج د غ ط غ پس شکل احیان را در عتبه زده ایم عتبه داخل و خارج شد تقاطع عتبه بر شمردیم ۲۶ بود از دایره ابجد میم و زاورا دیدیم که ۲۶ عدد دارد این حروف را نیز در پهلوئی آنها برنکاشتیم آنکاه تمام را بدایره نصف النهار بردیم و مستحصله آنرا بر آن افزودیم باز بدایره ماره باقطاب اربعه نمودیم جوابی منطبق بیرون آمد بر این گونه ح ا ل س ك ح ا ل ك ر ب ه ح ا ل ش غ ا ل این سؤال و جواب را بنظم آوردیم تا بفهم اقرب باشد . (نظم)

گر پرسی که چیست وصف الحال حال س ك حال گره حال شغال
اما عرض مقابل طول را بفارسی درازنا گویند و طول را پهنا و از این
هر دو سطح حاصل شود . سطح منتهی الیه خط باشد و عمق منتهی الیه نقطه و مالک اشتر
نوعی و متعصب این زیر قائل بوجود نقطه نیستند مطلقا . اما بعضی دیگر چون
شیخ عبداللہ مبارک و غیر هما گفته اند کلی منحصر در فرد است و استدلال کرده اند
باین حدیث که هرمس الیهرامسه و ارسطاطالیس از بخت نصر روایت کرده اند .

﴿نظم﴾

يك نکته بيش نيست غم عشق و اين عجب كز هر كسيكه مي شنوم نايك ر است
و هذا مردود لوجهين :

الاول - هر گاه فرض كنيم نقطه مركب از سه مكعب منفرج الزاويه كه تماس
كند هر يك مكعب ديگري را پس چون خطي كشيم از مركز مكعب اول كه از افلاك
تدوير مكعب ثاني گذشته بجوهر مكعب ثالث رسد پس بالضروره ۱۲ نقطه پديد
آيد زيرا كه هر مكعبی را سه نقطه لازمست بدینصورت :



و هر گاه اين تقاطرا از يك نوع فرض كنيم دور لازم آيد
چرا كه اين نقطه هارا باهم نسبت تضاعف است و تضاعف
آنستكه مضاعفين نه جمعشان شاید و نه رفعشان و هذا
خلاف المفروض .

بعضی از متأخرین جواب ایراد را بدینگونه دادند که را بر سیل تسلسل تعاقب گیریم
و تسلسل بر سیل تعاقب در کلام عرب جائز است فتأمل: اما ثانی هر گاه فرض
کنیم مربعی حاد الزوایا که مرکزش محیط باشد بر قوس صغیر از آن مربع و
بازاء آن شکلی نعلی فرض کنیم که زاویه آن چهار برابر قاعده آن باشد پس
از این دو شکل مفروض بطریق اربعه متناسبه شکلی بیرون آید که هیچ
قابل قسمت نباشد و اربعه متناسبه آنستکه سه عدد باشد که نسبت اول بر ابع چون
نسبت ثامن بتاسع باشد پس بدلائل حسی ثابت شد که قطه کلی منحصر در فرد است.
اما عرض و ناموس را از باب این صنعت عمل شمسی نامند و این فقیر بی بضاعت
در ایام غباوت این عمل را بارها بتجربه رسانیده ام و نسخه صنعت و عمل بهر کس
داده ام و نیز در این مختصر بی مضایقه و اغماض آنرا ابراز نمایم تا از نااهلان
مخفی نماند .

نسخه عمل شمسی - براده آهک صمغ دوشاب زرده تخم خفاش اقیمون
 صدمن. بزرا العنقور ریشه طباشیر عصاره مرجان اجزرا نرم کوبیده در کاغذی سفید
 پیچیده در حقه از موم کافوری گذاشته سرش را محکم با نقت سفید ببندند و یک شبانه
 روز در کوزه زجاجی گذارند تا تکلیس شود پس این کلس را در قرع زجاجی کرده
 سر آنرا با گل حکمت محکم کنند و از بام بلند پندازند پس با آتش ملایم آنرا تغسیل کنند
 بعد از آن امثال سیماب گرفته و تابه آهنین بر آتش نهند تا سرخ شود بیکبار آن
 سیماب را بر آن تابه ریزند عمل تمام است پس بوقت ضرورت ده امثال طلای خالص
 بایک برنج از آن اکسیر بهم آمیخته در بوته گذارند تا گداخته شوند چون از بوته
 بر آرند سه نخود سرب سوخته بیرون آید. و بعضی استادان این عمل را تکمیل
 کنند بدین طریق که آن سه نخود سرب سوخته را بایک اوقیه گوگرد زرد
 و احمر سحق نمایند و با هم ممزوج سازند پس آتشی افروخته مهیا سازند و پارچه
 کلفت بر سر خود کشیده بطریقی که هیچ رخته از اطراف آن نباشد آنگاه آتش را
 در زیر آن پارچه برده و سر خود را بالای آن دارند و گوگرد را در آتش ریزند
 و چندان امل کنند تا تمامی آن گوگردها بسوزد و خاکستر شود. اما عرض بمعنی
 ارز و قیمت و بها جمعش ارزین است چنانچه شیخ صدوق در این بیت فرموده :
 زر لکن زیبق الم اسرب دهن ارزین حل - فضا ند آهن یکی مس و شبه ۹۰ صفر ماه
 و این بیت اشاره است بدستان یزید علیه اللعنه و قصه هائله که بلاست زر لکن اشاره است
 بدان طشت که سر مطهر آنجناب را در آن نهاده بودند. زیبق یعنی آن سر منور
 چون قطره سیماب میدرخشید. الم یعنی سر مبارک آیه شریفه الم تر کیف فعل ربک
 بعد تلاوت می فرمود. اسرب دهن یعنی خداوند سرب گداخته در دهان یزید ریزد
 ارزین رجل عطف است بر اسرب دهن یعنی ارزین حل شده گداخته نیز در دهان آن
 ملعون ریزند .